



The Legal challenges of the status of religious minorities in the five periods of the National Consultative Assembly, From Denial to Recognition

Atefeh Horabadi Farahani¹  Simin Fasihi² 

1. PhD Student of Iranian Islamic History, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran.

Email: atefeh_farahani1990@yahoo.com

2. (Corresponding Author) Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran. Email:

fasihi@alzahra.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24Augu2023

Received in revised

form: 11Dece2023

Accepted: 26Dece2023

Publishedonline: 5Janu2024

Key word:

National Consultative
Assembly,
Recognition.
Member of Parliament,
Religious Minorities,
Parliament deliberations.

The Iranian constitutional movement catalyzed profound changes, culminating in the establishment of the National Assembly. As per the eighth provision of the constitutional amendment, all Iranians including recognized religious minorities such as Zoroastrians, Christians, and Jews were deemed equal under the law. This enabled them to appoint parliamentary representatives to voice their desires and secure their rights. This study seeks to delve into a central query using a historical-analytical approach and referencing parliamentary proceedings and extant documents: following the advent of the constitutional system and the creation of the parliament, how did religious minorities navigate their path to equal rights, and what obstacles confronted them? Our findings reveal a varied journey for these minorities in securing rights. Armenians notably pushed for parity with Muslims in electoral rights and sought suffrage for Christian women, but these demands found limited traction in the parliament. In contrast, Zoroastrians successfully entrenched their presence in the parliament by joining commissions and committees. Prioritizing legal equality, they secured memberships in provincial associations, and at times, Zoroastrian representatives viewed themselves more as representatives of the entire Iranian nation rather than just their minority group. The Jewish community encountered heightened challenges, predominantly stemming from internal divisions. Nonetheless, they proposed initiatives such as freedom of business, exemption for Jewish women from the general prohibition on female suffrage, and spotlighting Jewish concerns in the Majlis to reclaim some Jewish rights. Ultimately, the principle of equality under the law met with substantial challenges, leading to minorities being recognized not as integral components of the Iranian nation but as distinct communities.

Cite this article: **Horabadi Farahani, Atefeh & Fasihi, Simin** (2024). **The legal challenges of the status of religious minorities in the five periods of the National Assembly; From denial to recognition** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.33 Pages: 75- 106.



DOI. 10.22111/JHR.2023.45723.3566

© The Author: **Atefeh Horabadi Farahani & Simin Fasihi**

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



چالش‌های حقوقی جایگاه اقلیت‌های دینی در ادوار پنج‌گانه مجلس شورای ملی از انکار تا به رسمیت شناخته شدن

۱ عاطفه حرآبادی فراهانی سیمین فصیحی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران. رایانامه: atefeh_farahani1990@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: fasihi@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

واژه‌های کلیدی:

مجلس شورای ملی،

به رسمیت شناختن،

نماینده مجلس،

اقلیت‌های مذهبی،

مذاکرات مجلس.

جنبش مشروطیت ایران منشأ تغییراتی بود که مهم‌ترین آن‌ها تولد مجلس شورای ملی بود. طبق اصل هشتم متمم قانون اساسی تمامی ایرانیان از جمله اقلیت‌های دینی رسمی کشور (زرتشتیان، مسیحیان، کلیمیان) در برابر قانون برابر شمرده می‌شدند و با تعیین نماینده مجلس امکان بیان خواست‌ها و دستیابی به حقوق خود را یافتند. پژوهش حاضر بر آن است با روش تاریخی-تحلیلی و تکیه بر مذاکرات مجلس و اسناد موجود به این پرسش اساسی پاسخ بدهد که با استقرار نظام مشروطه و نهاد مجلس، اقلیت‌های دینی برای دستیابی به حقوق برابر چه روندی را طی و با چه چالش‌هایی مواجه شدند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دستیابی اقلیت‌های دینی به این حقوق یکسان نبود و آنان مسیری پرفرازونشیب را طی کردند. ارامنه گرچه تا مطالبه حقوق برابر با مسلمانان در انتخابات و حق رأی زنان مسیحی پیش رفتند، اما در مجلس اقبال عمومی نیافتند. زرتشتیان مجال بهتری داشتند و با عضویت در کمیسیون‌ها به تثبیت موقعیت‌شان در مجلس پرداختند. آن‌ها ضمن تأکید بر برابری در مقابل قانون حق عضویت در انجمن‌های ایالتی-ولایتی را کسب کردند. نمایندگان زرتشتی گاه خود را نه نماینده اقلیت بلکه نماینده ملت ایران می‌دانستند. یهودیان مشکلات بیشتری داشتند که عمدتاً به اختلافات درونی‌شان برمی‌گشت. با این حال آنان توانستند با پیشنهادهای از جمله آزادی کسب‌وکار و مستثنی کردن زنان کلیمی از اصل محرومیت حق رأی زنان و با طرح تضییقات یهودیان در مجلس مجال اعاده برخی حقوق یهودیان را بیابند. نهایتاً اصل برابری در مقابل قانون در عمل با چالش‌های عدیده‌ای مواجه شد و اقلیت‌ها نه در زمره ملت ایران بلکه به‌عنوان ملل متنوعه به رسمیت شناخته شدند.

استاد: حرآبادی فراهانی، عاطفه و فصیحی، سیمین (۱۴۰۲) چالش‌های حقوقی جایگاه اقلیت‌های دینی در ادوار پنج‌گانه مجلس شورای ملی

از انکار تا به رسمیت شناخته شدن، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۳، صص ۷۵-۱۰۶

DOI. 10.22111/JHR.2023.45723.3566

© نویسندگان . عاطفه حرآبادی فراهانی و سیمین فصیحی



ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

شکل‌گیری جنبش مشروطه ایران فرصت جدیدی فراهم آورد تا افراد گوناگون با اهداف مشترک در کنار هم قرار بگیرند. اقلیت‌های دینی از جمله گروه‌های اجتماعی بودند که فرصت را مغتنم شمردند و با حضور در این جنبش درصدد کسب حقوق خود در سایه حکومت قانون برآمدند. تأسیس مجلس شورای ملی به منزله نهاد اعمال حکومت قانون مهمترین دستاورد مشروطیت بود. در مجلس اول که ترکیبی طبقاتی-صنفي داشت، حقوق برخی اقشار مردم از جمله اقلیت‌های دینی کشور نادیده گرفته شده بود. با تصویب متمم قانون اساسی به لحاظ نظری امکان برخورداری مردم از تساوی اجتماعی فارغ از تمایزات دینی، سیاسی و اجتماعی ایجاد گردید. با وجود این که مجلس امکان حضور نمایندگان مردم جهت طرح مطالبات و تحقق آنان را فراهم کرده بود، در عمل انتخاب نماینده و اجرای اصول متمم قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی به آسانی صورت نگرفت و دوره‌ای پرچالش را برای آن‌ها رقم زد.

تاکنون پژوهشی مستقل و مبسوط با موضوع جایگاه حقوقی نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای ملی انجام نشده است. آن چه موجود است عمدتاً آثار دانشنامه‌ای و مختصر پیرامون این موضوع است. کتاب «اقلیت‌های دینی در پارلمان ایران» و «رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب)» نوشته منوچهر نظری اثری دانشنامه‌ای درباره نمایندگان اقلیت‌های دینی است (نظری، ۱۳۹۸؛ نظری: ۱۳۹۰). آرپی مانوکیان مورخ ارمنی در مقاله‌ای با عنوان «ارمنیان و مجلس؛ از مشروطیت تا سقوط قاجاریه» از توصیف همدلانه و ستایش‌آمیز نمایندگان ارمنه از مجلس اول تا پنجم فراتر نمی‌رود (مانوکیان ۱۳۸۸: ۴۸-۵). ناصر سلطانی هم در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت» تلاش کرده تا از منظر حقوقی به موضوع برابری پیرامون متمم قانون اساسی بپردازد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۹۰-۵۹).

همچنین دیوید یروشالمی در کتاب «یهودیان ایران در قرن نوزدهم: ابعاد از تاریخ، جامعه و فرهنگ» وضعیت حقوقی، جمعیت و پراکندگی جغرافیایی، اقتصاد و معیشت، نهادهای عمومی، فرهنگ و آموزش، دین و ارزش‌های معنوی، حیات و تاریخ یهودیان در جوامع بزرگ‌تر و رویدادها

و روندهای مهم تأثیرگذار بر یهودیان در ایران قرن نوزدهم را تحلیل کرده است (Yeroushalmi, 2009). لیور استرنفلد در کتاب «بین ایران و صهیون: تاریخ یهود در ایران قرن بیستم» تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه یهود ایران به خصوص در تهران اوایل قرن بیستم را در کانون توجه خود قرار داده است. حلقه مفقوده اصلی این کتاب پرداختن به جایگاه حقوقی یهودیان، به ویژه موقعیت آن‌ها در مجلس شورای ملی ایران، است (Sternfeld, 2019). الیز ساناساریان نیز در کتاب «اقلیت‌های دینی در ایران» نقش حکومت در طرد و به حاشیه رفتن اقلیت‌های دینی در ایران پس از انقلاب اسلامی را بررسی کرده است (Sanasarian, 2004).

دانیل سیدک نیز در مقاله «وضعیت حقوقی اقلیت‌های دینی: فقه شیعه امامی و انقلاب مشروطه ایران» به بررسی موضوع تفاوت قوانین اسلام با قوانین مشروطه درباره اقلیت‌های دینی پرداخته است. از نظر او، فقه شیعه معمولاً با اقلیت‌های مذهبی و شیعیان متفاوت رفتار می‌کرد، اما برخی از مصوبات انقلاب مشروطه با اقلیت‌های مذهبی به طور مساوی با مسلمانان رفتار می‌کرد. او نتیجه می‌گیرد که وضعیت حقوقی برخی از اقلیت‌های مذهبی در طول انقلاب در مقایسه با وضعیت آن‌ها در فقه شیعه فقط تا حدی بهبود یافته است و ماهیت دوگانه مصوبات انقلاب مشروطه بازتاب نیروهای دخیل در انقلاب بوده است (Tsadik, 2003:376-408). تمرکز مقاله مذکور بیشتر بر اقلیت یهود است. با وجود این پژوهش‌ها، خلاء پژوهشی مستقل در وضعیت اقلیت‌های دینی در مجلس شورای ملی همچنان احساس می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است جایگاه حقوقی اقلیت‌های دینی و سیر حضور نمایندگان آن‌ها در مجلس شورای ملی از مشروطه تا تشکیل حکومت پهلوی را بررسی کند. چالش‌هایی که اقلیت‌های دینی به طور کلی با مسلمانان و به طور خاص در دورن خود داشتند، در این مسیر قابل تأمل است.

مشارکت اقلیت‌های دینی در جنبش مشروطیت

در شکل‌گیری جنبش مشروطه ایران گروه‌های اجتماعی مختلف مشارکت داشتند. هدف این جنبش پایان دادن به بی‌عدالتی و استقرار حکومتی قانون‌مدار بود که حقوق بنیادین و نقش‌آفرینی مردم در تعیین سرنوشت‌شان را به رسمیت بشناسد. این هدف به نقطه اشتراک گردآمدن اقشار و

گروه‌های گوناگون مردم فارغ از تفاوت‌های قومی، دینی، زبانی و جنسیتی‌شان بدل شد. اقلیت‌های دینی رسمی ایران (زرتشتیان، یهودیان، مسیحیان) از جمله گروه‌های اجتماعی بودند که از موج مشروطه‌خواهی برکنار نماندند. تلاش برای رفع نابرابری حقوقی دوران پیشامشروطه نقش مهمی در مشارکت اقلیت‌های دینی در جنبش مشروطه ایفا می‌کرد.^۱ در انجمن‌های آستانه مشروطه مسأله اقلیت‌های دینی تاحدودی مورد توجه قرار گرفته بود. مجمع آدمیت در مرامنامه خود یکی از ارکان اصلی حقوق انسانی را برقراری مساوات بین تمامی مردم فارغ از هر قیدی تعیین کرده بود (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۱۰-۲۱۷). انجمن‌های مخفی در نظامنامه‌های خود عضویت «زرتشتیان»، «یهود» و «نصاری» را به شرط آن که ایرانی‌الاصل و ایرانی‌نژاد باشند» پذیرفته بودند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۲۰۹-۲۱۰). برخی از روشنفکران پیش از مشروطیت نیز پیوسته از آزادی و مساوات نوع انسان سخن گفته بودند. آخوندزاده به کرات خواستار حقوق برابر برای مردم بود و اعتقاد داشت که «شریعت برای جنس مرد و زن حقوق مساوی قایل نیست. همین‌طور در محاکمات شرعی، حقوق غیرمسلمان ذمی مساوی فرد مسلم نیست. خداوند! این چه قانون است؟ این چه دیوان است که قاضی شرع شهادت ذمی را نمی‌پذیرد؟ و حال آنکه مساوات در محاکمات، اصل مطلق عدالت است» (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۵۶-۱۵۷). بنابراین موضوع اقلیت‌های دینی و جایگاه آنان در دوران شکل‌گیری جنبش مشروطه از منظر متفکران و انجمن‌های مؤثر در این جنبش مسأله‌ای مهم تلقی می‌شد. در چنین فضای گفتمانی اقلیت‌های دینی برای بیان مطالبات و تحقق خواسته‌های خود از مشروطیت حمایت کردند.

ارمنیان در جنبش مشروطیت حضوری ملموس داشتند. مشارکت آن‌ها در این جنبش به ویژه از فضای انقلابی و روشنفکری قفقاز تأثیر می‌پذیرفت. دو حزب ارمنی هنجاک و داشناک نقش محوری در سوق دادن ارمنیان به حمایت از مشروطیت ایفا می‌کردند. آنان از مناطق هم‌مرز آذربایجان با عثمانی برای کمک به ارمنیان شرق عثمانی استفاده می‌کردند. هنجاک‌ها نگران محدودیت‌های اقلیت‌های دینی و قومی بودند و آزادی ایرانیان بدون تبعیض قومیتی یا دینی را آرزو داشتند (بربریان، ۱۳۹۷: ۳۰۳). حزب داشناک نیز که در ایران از شبکه گسترده‌ای برخوردار

بود، مشارکت فعال در انقلاب مشروطه را مناسب‌ترین تصمیمی دانست که می‌توانست باعث تحکیم روابط با عناصر آزادی‌خواه ایرانی، تأسیس احزاب کارگری در میان ایرانیان مطابق جهان‌بینی حزب و رسمیت بخشی به تشکیلات ملی و فرهنگی از طریق قوانین فدرال شود (همان: ۲۱۱).

حمایت زرتشتیان از انقلاب مشروطه بیشتر در پیوند با افراد متمول آنان از جمله صاحبان تجارتخانه «جمشیدیان» بود. این تجارتخانه تفنگ و اسلحه از بوشهر وارد می‌کرد و مخفیانه در اختیار مجاهدان تهران و شهرهای دیگر قرار می‌داد (مهر، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۲). به علاوه بخشی از مخارج بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس را ارباب جمشید از شخصیت‌های متمکن زرتشتیان برعهده گرفته بود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۰۹).^۲ زرتشتیان همچنین در «انجمن اتحادیه آذربایجان» در کنار اعضای چون جهانگیرخان صوراسرافیل فعالیت می‌کردند (صوراسرافیل، ۱۷ محرم ۱۳۲۶: ش ۸/۲۳).

نقش یهودیان ایران در انقلاب مشروطه نسبت به آرامنه و زرتشتیان تا حدودی کم‌رنگ‌تر است. شواهد اندکی از فعالیت مستقیم یهودیان ایرانی در انقلاب مشروطیت وجود دارد که می‌توان به پیوستن دو تن از جوانان یهودی تهرانی به انقلابیون گیلان اشاره کرد. یکی از آنان حاجی داود ابراهام یعقوب پرفروش بود که به شغل خیاطی اشتغال داشت و سخنوری قابل بود که برای سربازان سخن می‌گفت. او مورد توجه سپهسالار تنکابنی قرار گرفت. دیگری جوان هفده‌ساله‌ای به نام آشر ربی رحیم بود که به روسیه سفر کرد و در مراجعت از آن‌جا، در رشت به انقلابیون مشروطه‌خواه پیوست (لوی، ۱۳۳۹: ۳/۸۴۳-۸۴۱). در واقع در زمان مشروطه و به‌ویژه سال‌های ابتدائی پس از آن روند اصلی فعالیت‌های یهودیان در قالب تلاش برای کسب علم و دانش با تأسیس مدارس آلیانس، شرکت در مجلس سوادآموزی فارسی و عبری، انجمن‌های زنان و مؤسسات مذهبی، اشتغال به تجارت، طبابت و داروسازی و برخی مشاغل دیگر قرار داشت (هما سرشار، ۱۹۹۶: ۷۳/۱). کلدانی‌ها (آشوری‌ها) آخرین اقلیت دینی رسمی بودند که در مقایسه با سایر اقلیت‌ها فعالیت کمتری داشتند و شاید بیراه نباشد اگر بگوییم آنان بیشتر سرگرم فعالیت‌های آموزشی در مدارس مسیونری

بودند و تاکنون شواهد و مدارکی به دست نیامده که نشان‌گر ایفای نقش مؤثر آنان در مشروطیت باشد.

چالش‌های حق نمایندگی اقلیت‌های دینی در مجلس اول

نقش‌آفرینی اقلیت‌های دینی در جنبش مشروطیت با هدف به رسمیت شناخته شدن آن‌ها در حوزه حقوقی صورت گرفت. برای بررسی میزان تحقق این هدف نخست باید در متون حقوقی تدوین شده پس از پیروزی انقلاب مشروطه کندوکاو کرد و کوشید به این پرسش پاسخ داد که اقلیت‌های دینی در حوزه حقوقی تا چه اندازه به برابری حقوقی در برابر قانون دست یافتند؟ در متن فرمان مشروطه که در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق صادر شد، اشاره‌ی ضمنی یا آشکار به اقلیت‌های دینی به چشم نمی‌خورد (کسروی، ۱۳۴۴: ۱۲۰-۱۱۹). در نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی نیز که در ۲۰ رجب ۱۳۲۴ق در سی و دو ماده به امضای مظفرالدین‌شاه رسید، حتی نشانی از اشاره غیرمستقیم به حق انتخاب کردن یا انتخاب شدن اقلیت‌های دینی وجود ندارد. در این دو متن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به شش گروه شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار و ملاکین، فلاحین و اصناف و در محدوده‌های جغرافیایی معین محدود شده است (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۵۱۴-۵۱۹). این نظام‌نامه با الهام از قوانین انتخاباتی فرانسه، بلژیک، بلغارستان و آلمان تهیه شده بود. مطابق قانون اساسی ۱۷۹۱م فرانسه و نظام انتخاباتی آن، شهروندان به دو گروه فعال و منفعل تقسیم می‌شدند. شهروندان فعال نمایندگان مجمع ملی قانونگذاری را برمی‌گزیدند، اما شهروندان منفعل حق شرکت در انتخابات نداشتند. عواملی چون سن، جنسیت و ... برای شرکت در انتخابات مهم بود (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). نظام‌نامه انتخابات در ایران نیز قالبی طبقاتی-صنفي داشت و با وجودی که شرط مسلمان بودن در زمره شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان قرار نداشت، اما در عمل اقلیت‌های دینی را از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم ساخت.

عوامل متعددی در انکار حق به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی در فرمان مشروطه و نظام‌نامه انتخابات دخیل بودند. به نوشته ناظم‌الاسلام یکی از عوامل، شتاب در تدوین سریع‌تر نظام‌نامه انتخابات بود: «این نظام‌نامه را در نهایت استعجال نوشتند اگرچه محتاج است به تنقید و تصحیح و زیاده و کم نمودن» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۵۱۹). ملک‌زاده نیز نظری مشابه ناظم‌الاسلام دارد (ملک‌زاده، ۱۳۸۲: ۳-۲-۱/۳۸۲). به گفته اتحادیه به دلیل برخی ابهامات و کاستی‌ها در قانون به ایلات، اقلیت‌ها و نیز بعضی مناطق نماینده‌ای تخصیص داده نشد (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۰۲). همچنین انتخاب نماینده از سوی اقلیت‌ها ممکن بود با مخالفت روحانیون نجف و اصفهان مواجه شود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۴۹۷). برخی از پژوهشگران از جمله لاهیجی و آفاری معتقدند برای اقلیت‌های دینی هم وضعیت خاصی در نظر گرفته شده بود اما آن‌ها به انتخاب نماینده از هم‌کیشان خود دست نیافتند و یا از آنان خواسته شد مرحمتی کنند و حق نمایندگی خود را به مسلمانان واگذار نمایند (آفاری، ۱۳۸۵: ۱۰۰؛ لاهیجی، زمستان ۱۳۷۹ و بهار ۱۳۸۰: ۱۱). حبیب لوی مورخ یهودی نیز می‌گوید در قانون اساسی به هریک از گروه‌ها و طبقات اجتماعی از جمله یهودیان حق نماینده داده شد اما یهودیان را جزئی از ملل متنوعه دانستند نه ملت ایران (لوی ۱۳۳۹: ج ۳/۸۲۴).

بدین ترتیب اقلیت‌های دینی به جز زرتشتیان از راهیابی به مجلس محروم ماندند. ارباب جمشید نماینده زرتشتیان در مجلس اول بود (کسروی، ۱۳۴۴: ۱۶۸). ارباب کیخسرو درباره چگونگی انتخاب او نوشته است: «همین که مشروطیت ایران سرگرفت و فرمان انتخابات بیرون آمد، یک عده سی چهل نفری جمع شده و کاغذی به عنوان اعتبارنامه نوشته و امضا کرده و به دست ارباب جمشید دادیم که ایشان نماینده زرتشتیان هستند و به زرتشتیان یزد و کرمان و شیراز هم تلگراف کردیم تأکید کنند و کردند. به این ترتیب ارباب جمشید در دوره اول به سمت نمایندگی معرفی و وارد مجلس شد» (شاهرخ ۲۵۳۵: ۱۲۷-۱۲۶). اگرچه ارباب جمشید از صرافان و تاجران معروف، خوشنام و خیری بود که در بسیاری منابع بدان اذعان شده^۳ اما ناظم‌الاسلام کرمانی می‌گوید که گویا وی برای کسب این مقام مبلغی پول به عنوان تعارف به بهبهانی پرداخته است.^۴ مهدی بامداد

نیز اشاره می‌کند که ارباب جمشید خود شخصاً گفته است «من پول زیادی به سیدعبدالله بهبهانی که متنفذترین فرد در مجلس بود دادم تا اینکه بالاخره او راضی شد و اعمال نفوذ کرد که به زرتشتیان نماینده داده شود» (بامداد، بی‌تا: ج ۱/۲۸۰؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ج ۲/۸۹).^۵

از طرف اقلیت یهودی عزیزالله سیمانی به نمایندگی مجلس انتخاب شد، اما او حق خود را به آیت‌الله بهبهانی واگذار کرد چرا که معتقد بود سایر نمایندگان نگاه مثبتی نسبت به او به عنوان یک نماینده اقلیت ندارند (لوی، ۱۳۳۹: ۳/۸۴۸-۸۴۷؛ یشایایی، ۱۳۹۸: ۲۸). اگر عزیزالله سیمانی به واقع در مجلس اول انتخاب شده باشد باید پرسید که نحوه انتخاب او چگونه بوده است؟ خلاء و سکوت منابع در این خصوص نقطه مبهمی در تاریخ حقوقی و جایگاه نمایندگان اقلیت دینی در ایران می‌گذارد. اقلیت مسیحی حق نمایندگی خود را به آیت‌الله طباطبایی واگذار کردند. واگذاری حق نمایندگی اقلیت‌ها به سیدین بهبهانی و طباطبایی به دلیل قدرت و نفوذ چشمگیر آن‌ها در مجلس صورت گرفت. به گفته احتشام‌السلطنه «این دو آیت‌الله در مجلس نفوذ و قدرتی فوق تصور داشتند و هکذا انجمن‌ها و اشخاصی که عموماً خود را به ایشان بسته بودند» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۶۰۵). بدین ترتیب، با توجه به شرایط مذکور حقوق اقلیت‌های دینی مستقلاً به رسمیت شناخته نشد و تنها زرتشتیان با پرداخت پیشکش به روایت برخی منابع موفق به کسب کرسی مستقل در مجلس شدند. این وضعیت نشان می‌دهد که با وجود استقرار نظام مشروطه تحقق برابری حقوقی در برابر قانون برای اقلیت‌ها نیازمند تکاپوهای بیشتری بود.

متمم قانون اساسی و به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی

در متمم قانون اساسی برای نخستین بار حقوق اقلیت‌های دینی به تلویح به رسمیت شناخته شد. در اصول مختلف متمم به وظایف و اختیارات حکومت، دولت، ملت، پادشاه و مردم اشاره شده است. براساس اصل هشتم متمم قانون اساسی «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود» (حقدار، ۱۳۸۳: ۵۳۹). تصویب این اصل به معنای به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی در حوزه حقوقی بود. در این اصل دولت به معنای حکومت و قانون دولتی به معنای

مقررات دولتی است. مفهوم این اصل آن است که مردم ایران از هر دین و مذهب که باشند در برابر قانون اساسی و سایر قوانین از حقوق برابر برخوردارند. برخی پژوهشگران این اصل از متمم قانون اساسی را منطبق با اصول دموکراسی دانسته‌اند. به گفته رحیمی تدوین‌کنندگان قانون اساسی در این اصل دموکراتیک بودن قانون اساسی را حفظ کرده و اعلام کرده‌اند که در ایران یک فرد مسیحی، زرتشتی یا کلیمی به اندازه یک فرد مسلمان حق دارد. از اصل هشتم این نتیجه به دست می‌آید که چون طرفداران مذاهب گوناگون دارای حقوق مساوی هستند دولت نیز وظیفه دارد که نسبت به ادیان و مذاهب مختلف بی‌طرف باشد. به بیانی دیگر اعلام دین رسمی در قانون اساسی با متساوی‌الحقوق بودن افراد مغایرت ندارد (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۱۳-۱۱۲). آدمیت نیز اعتقاد دارد که متمم قانون اساسی مساوات حقوقی را کاملاً به رسمیت می‌شناخت و تمام اتباع مسلمان و اقلیت‌های دینی را در برمی‌گرفت (آدمیت، ۱۹۸۵: ۴۱۷). لذا پذیرش این اصل منجر به بروز اختلافات فراوان در مجلس و خارج از آن گردید. به گفته هدایت «بر سر ماده هشتم متمم قانون اساسی در تساوی حدود ملل متنوعه کشمکش‌ها شد» (هدایت، ۱۳۴۴: ۱۵۱).

در یک سوی این کشمکش‌ها گروهی از روحانیون مشروعه‌خواه مخالف قرار داشتند که معتقد بودند اقلیت‌های دینی باید «ضعیف و خوار» باشند (صوراسرافیل، ۱۴ شوال ۱۳۲۵: ش ۴/۱۷). شیخ فضل‌الله نوری که مهمترین آن‌ها بود و متمم قانون اساسی را ضلالت‌نامه و مزخرفات سخیفه مجلسی می‌خواند، اعتقاد داشت که «محال است با اسلام حکم مساوات» و «... ای بی‌شرف، ای بی‌غیرت، ببین صاحب شرع برای تو برای این که تو منتحل به اسلامی برای تو شرف مقرر فرموده و امتیاز داده تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز می‌کنی و می‌گویی من باید با مجوس و ارمنی و یهودی برادر و برابر باشم..» (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۶۱). آقا سید یحیی از علمای مشروعه‌خواه یزد به ملا عبدالکریم وکیل یزد توصیه می‌کرد که «نگذارید زرتشتی‌ها غالب شوند زیرا که می‌شنوم یکی از فصول قوانین مجلس مسأله مساوات است» (صوراسرافیل، ۱۴ شوال ۱۳۲۵: ش ۴/۱۷). مؤلف ارشادالغافل نیز با تفسیر خود از مساوات مبنی بر این که «فرقه ضاله مضله و طایفه امامیه بر یک نهج باشند» آن را مخالف اسلام می‌دانست که قوامش به عبودیت است و

«بنای احکام آن به تفریق مجتمعات و جمع مختلفات است نه به مساوات» او می گوید ای کسی که میل مساوات در بلاد اسلام داری «تو اسلام قبول نما تا مساوی باشی» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۷۸).

در سوی دیگر علمای مشروطه خواه بودند که دریافت دیگری از تساوی حقوق داشتند، نائینی می نویسد مقصود «مساوات آحاد ملت با همدیگر و با شخص والی در جمیع نوعیاتست» «... قانون در مرحله اجرا نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت اجرا شود... عناوین مشترکه بین عموم اهالی مانند امنیت بر نفس و عرض و مال و مسکن و عدم تعرض بی سبب ... و حبس و نفی نکردن بی موجب و به طور عموم اجرا شود... احکام مخصوصه به خصوص مسلمین یا اهل ذمه بدون تفاوت بین اشخاص هریک از فریقین اجرا یابد...» (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱). محلاتی نیز بر همین عقیده بود که تسویه حقوق ملی این است که «...هر حکمی که بر هر عنوانی از عناوین شرعیه یا عرفیه بار باشد در اجراء آن حکم فرقی ما بین مصادیق آن گذارده نشود شاه باشد یا گدا، عالم یا جاهل، قوی یا ضعیف...» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۵۱۹). عبدالرسول کاشانی نیز در رساله انصافیه اصل مساوات مشروطیت را برگرفته از اسلام و آن را تساوی در محاکمات می دانست که وضع و شریف، فقیر و غنی بایستی به طور مساوی محاکمه شوند» (همان: ۵۷۷).

سلطانی معتقد است جدال مشروطه خواهان و مشروطه خواهان به خاطر در هم آمیختن دو قلمرو مفهومی «تساوی در برابر قانون» و «تساوی در حقوق» بود. تساوی در مقابل قانون برای مشروطه خواهان به معنای عمومیت قانون و استثناء ناپذیر بودن آن بود که تضمین می کرد در اجرای قانون در موارد مشابه باید برابری و مساوات رعایت شود (سلطانی، ۱۳۹۱: ۸۱). تساوی در حقوق در چنان زمینه و زمانه ای تولید اشکال می کرد. از همین رو بود که شیخ فضلعلی آقا تبریزی نماینده میانه رو تبریز اظهار می کرد که تساوی مسلم و کافر در جنایت و غیره مشکل شده، نفی و اثبات هردو معاذیر دارد. و شیخ سلیم با وجود داشتن سبقه سوسیال دموکراتی در انقلاب مشروطه به شیخ فضلعلی آقا تبریزی می نویسد: «... در مسئله تساوی، حقوق مسلم و کافر را عنوان نفرمایند، بلکه تساوی حقوق داخلی و خارجی بنمایند، ... نهایت نسبت به مسلم و کافر ایرانی قضیه

مسکوت عنه بماند...» (فضلعلی صفائی، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۷). اقلیت‌ها از جمله زرتشتیان خود به این امر واقف بودند و در لوایح ارسالی به مجلس تأکید داشتند که: «ما عرض نمی‌کنیم در قوانین مذهبی دیگران شریک و سهیم باشیم، بلکه عرض ما بر مساوات حقوق مملکتی و مجازات است» و وکیل‌التجار تصریح می‌کرد که «لویح اقلیت‌های قومی منصرف از تساوی در قوانین شرعی و مذهبی است، آنان قصد تساوی در حقوق اسلامی ندارند» بلکه مقصود آن‌ها تساوی در مجازات و «حقوق سیاسی» است که در قانون اساسی منظور شده است» (سلطانی، ۱۳۹۱: ۷۹-۸۰؛ دوره ۱، جلسه ۱۰۴/ ۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ه.ق).

روشنفکرانی نظیر عبدالرحیم طالبوف که با حقوق جدید آشنا بودند از این اصل دفاع می‌کردند. او در نقد مخالفان نوشت «...نصارا و گبر و یهود که مالیات به دولت می‌دهند، مالیات جزیه ایشان است و تابع اسلامند. ... اگر علمای روحانی می‌خواهند که نصارا مثل سابق در هوای مرطوب بیرون نروند، یا از کوچه‌ای گلی پرواز نموده زمین را نجس نکنند، ... یا مال آن‌ها را مسلمین بخورند ... ما چنین شریعتی نداریم که مسلمین حق دیگران را پامال کنند. اگر منظور این است که از سایر مذاهب مبعوث یا اعضای انجمن انتخاب نشود، به چه دلیل. اگر ما از سیصد هزار نفر یک نفر آدم انتخاب خواهیم کرد و جایش هست که در آنجا این سیصد هزار نفر نصارا یا همه یهود است، چطور اداره آن‌جا را مهمل بگذاریم. وانگهی زرتشتیان که اجداد ما ایرانی‌ها هستند، به چه انصاف و وجدان آن‌ها را به جمعیت خودمان قبول نکنیم و در حقوق چنین ملت نجیب و پاک‌نهاد را از حقوق ملتی و وطنی خودشان محروم نمائیم» (فضلعلی صفائی، ۱۳۷۲: ۵۱). از خلال این موافقت‌ها و مخالفت‌ها بالأخره با تصویب اصل هشتم متمم قانون اساسی حق اقلیت‌ها در انتخاب نماینده از بین خودشان رسمیت یافت. اما آنان فراتر از این مورد، خواستار حق برابر با سایر مسلمانان در عرصه انتخابات شدند.

جایگاه اقلیت‌های دینی از مجلس شورای ملی دوم تا مجلس پنجم

انتخابات مجلس دوم که پس از استبداد صغیر و براساس نظامنامه جدید دودرجه‌ای مصوب ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق برگزار شد تغییراتی را تجربه کرد. کاهش تعداد نمایندگان به ۱۲۰ نفر

و اعطای حق نمایندگی به اقلیت های دینی از آن جمله بود. شرایط انتخاب شوندهگان نیز این گونه بود «۱- متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند مگر نمایندگان ملل زرتشتی و مسیحی و یهودی که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند ۲- تبعه ایران باشند... ۷- سن آنها کمتر از ۳۰ سال و زیادت از ۷۰ سال نباشد» (مجموعه مصوبات دوره اول قانون گذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۱۸: ۵۴). ماده اول با اشاره مستقیم به اقلیت های دینی حاکی از به رسمیت شناختن آنان و اختصاص جایگاهی همپای مسلمانان در مجلس برای دعاوی حقوقی آنان است. مورد مهمی که در نظامنامه قبلی زمان مشروطه آشکارا مورد غفلت قرار گرفته بود. از این پس حضور مستقیم نمایندگان اقلیت های دینی در مجالس نقش آنها را در کسب حقوق اقلیت ها مؤثرتر ساخت. محورهای زیر نشانگر تلاش های اقلیت ها برای کسب جایگاه های حقوقی خویش در مجالس شورای ملی است.

فرا تر از به رسمیت شناخته شدن: آرامنه و مطالبه حقوق برابر در انتخابات

در مجلس دوم امکان مبارزه برای تحقق حقوق برابر برای اقلیت های دینی فراهم آمد. نمایندگی آرامنه در این مجلس را هوسپ میرزایانس به عهده داشت. او یکی از افراد مبارز در جریان انقلاب مشروطیت و مدیر و مترجم قشون پیرم خان بود (بشیری، ۱۳۶۳: ۸/۱۹۷۳). آرامنه با ارسال نامه و تلگراف ضمن درخواست افزایش تعداد نمایندگان خود تصریح داشتند که «مقصود تمام آرامنه ایران فقط در تساوی حقوق انتخابیه بوده و هست یعنی با تمام ایرانیان در انتخابات رأی داده انتخاب نمایند و منتخب شوند و حال آنکه قانون انتخابات سایر ملل ایرانیه را از این حق مساوات محروم داشته است» (کمام، ۴ ذی الحجه ۱۳۲۷، ک ۱، پ ۱۲، ۷). آنان در این درخواست با ابراز وطن دوستی خود بر وجود جمعیت بالای یکصد هزار نفری آرامنه و داشتن حق سه نماینده تأکید داشته و می نویسند «بنا به این ملاحظات انجمن آرامنه طهران و تمام ایران با کمال امیدواری منتظر هستند که مجلس شورای ملی استدعای ملتی که تماماً در وطن خواهی و ایران دوستی تاکنون امتحانات خود را به خوبی داده پذیرفته بیش از پیش مایه امیدواری و استظهار آنان گردد. پاینده باد مساوات

و عدالت» (همان). این درخواست ارامنه در مجلس مطرح و با مخالفت نمایندگان مواجه شد. یکی از نمایندگان آن را خلاف قانون انتخابات دانست زیرا در صورت پذیرش این خواسته، سایر افراد در شهرهای کوچک نیز از مجلس انتظاری مشابه دارند (دوره ۲، جلسه ۲۴ / ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۷). گرچه کمیسیونی برای بررسی امکان اعطای سه نماینده به اقلیت ارامنه تشکیل شد^۶ اما در عمل موضوع اقلیت‌ها چندان در رأس امور قرار نمی‌فت و حتی زمانی که مؤتمرگرن‌الملک در مورد ارجاع درخواست ارامنه به کمیسیون پرسید با پاسخی سهل‌انگارانه از سوی رئیس مجلس مواجه شد (دوره ۲، جلسه ۴۲ / ۶ محرم ۱۳۳۸).

استدلال ارامنه برای درخواست افزایش تعداد نماینده به موضوع تصویب اعتبارنامه میرزایانس بازمی‌گشت. شرط پذیرش یک نماینده در مجلس تأیید اعتبارنامه او بود. بدین ترتیب که ابتدا شعبه اخذ رأی باید اسامی را اعلام می‌کرد و سپس از حکومت آن محل استعلام گرفته می‌شد. این روند به آسانی در مورد میرزایانس محقق نشد. اعتبارنامه او تنها از سوی تبریز تأیید شد و ارامنه اصفهان از تأیید و ارجاع آن به انجمن ارامنه تهران سرباز زدند. از نظر ارمنیان اصفهان نظامنامه انتخاباتی دچار مشکل بود و باید به این گروه حق انتخاب دو نماینده را می‌داد. این موضوع زمان زیادی از مجلس گرفت زیرا از یک سو ارمنیان تا تعیین حق نماینده‌ای دیگر، میرزایانس را تأیید نمی‌کردند و از سوی دیگر نمایندگان در تصویب اعتبارنامه او برای جلوگیری از اختلال در نظامنامه انتخابات قائل به تسریع بودند. در این صورت میرزایانس می‌توانست مجلس را به اختصاص دو نماینده برای ارامنه قانع کند. نمایندگان بر این امر آگاه بودند که به دلیل جمعیت زیاد ارامنه و نیز عدم اتحاد ارامنه آذربایجان و اصفهان به دلیل سلاقی متفاوت می‌توان بر سر این موضوع به تفاهم رسید ولی این امر منوط به اجرای کامل نظامنامه مصوب در مجلس دوم بود. نهایتاً پس از مباحث بسیار در مجلس اعتبارنامه میرزایانس تصویب و ارامنه رسماً صاحب یک نماینده در مجلس دوم شدند (کمام، ۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۳۸، ک ۱، پ ۱۵، ۱۲).

میرزایانس که قائل به برابری افراد در اداره امور کشور بود در نخستین نطق خود در مجلس چنین گفت «... مشروطیتی را که بنده عرض می‌کنم مقصود این است که اقتدار امور سیاسی این

مملکت باید در دست افراد این مملکت بدون استثنای مذهب و جنس استشنا گذاشته شود در این صورت ما استقلال و اختیار تام را از دست یک فرقه یک شخص یک طبقه گرفته در دست تمام افراد این مملکت می گذاریم...» (دوره ۲، جلسه ۱۸۳ / ۸ ذی القعدة ۱۳۲۸). وی برای نیل به این مقصود به طور مداوم مباحثی چون تعداد نمایندگان اقلیت در مجلس و نحوه انتخابات آنان را مطرح می کرد. میرزایانس کل روند انتخاب نماینده مخصوص اقلیت های دینی را به چالش کشید و پذیرش آن را ناشی از اجبار می دانست. به گفته او «ما هیچ وقت راضی نیستیم برای ما نماینده علیحده انتخاب شود یعنی ما را یک ملتی مستثنی و خارجی از ایرانی ها تصور بکنند و به ما بگویند شما بروید یکی دو نفر نماینده علیحده انتخاب بکنید و ما به جهت شما یک نفر یا دو نفر یا سه نفر نماینده تعیین کرده ایم» (دوره ۲، جلسه ۲۸۸ / ۲ رمضان ۱۳۲۹). او مطالبه آرامنه را برخوردار از حقوق برابر با سایر مردم فارغ از تفاوت دینی می دانست. «ما می خواهیم در انتخابات بلا هیچ فرقی حاضر باشیم و انتخاب بنماییم مثلاً بگویند اهل طهران باید ده نفر یا پنج نفر نماینده انتخاب بکنند آن وقت اهل طهران شامل آرامنه و مسلمین که سکنه این شهر هستند علی السویه بشود و آرامنه هم مخلوط با سایرین بروند تذکره بگیرند انتخاب بکنند ارمنی در میان انتخاب کنندگان باشد در میان انتخاب شوندگان هم باشد هر کس اکثریت داشت انتخاب شود هر کسی اکثریت نداشت انتخاب نشود» (همان). همین مطالبه میرزایانس در عرایض آرامنه نیز بارها تکرار شده است.^۷

میرزایانس از به کار بردن کلمه اقلیت چه در لفظ و چه در عمل راضی نبود و از نظر او جدا دانستن انتخابات گروه های دینی از مسلمانان چیزی متمایز از شعار برابری و تساوی حقوقی در برابر قانون بود. برای اقلیت های دینی مشروطیت مسأله ای فراتر از استقلال محسوب می شد و آنان خواهان به دست آوردن هر آن چیزی بودند که نشان مذهبی شان را پنهان کند و آنان را به عنوان یک شهروند برخوردار از حقوق و مزایای اجتماعی در جامعه نشان بدهد. این انتظار تا حدی فرا می رود که نماینده ای از جانب آنان اعلام می کند ما تنها به شرکت در انتخابات و رأی گیری برای تعیین سرنوشت مجلی کشور قانع هستیم ولو اینکه نماینده ای هم از جانب خودمان در مجلس حضور نداشته باشد. این دیدگاه بستری برای اتحاد اقلیت های دینی و همراهی و همسان دیدن

خود در کنار سایر مردم مسلمان در عرصه انتخابات بود. میرزایانس با فعالیت در مجلس و عضویت در کمیسیون‌هایی چون بودجه، معارف و اداره مباشرت سعی می‌کرد جایگاه خود را فعالانه در مجلس تثبیت نماید. از جمله اقدامات او ارائه طرح اعزام شاگرد به خارج به همراه افرادی چون شیخ آقا ابراهیم و ارباب کیخسرو دیگر اعضای کمیسیون معارف به مجلس بود (کمام، ربیع‌الاول ۱۳۲۹، ۱۷، پ ۳).

اقلیت کلدانی هم علی‌رغم ذکر نام‌شان در نظامنامه انتخابات به‌عنوان یک اقلیت دینی رسمی صاحب نماینده مستقل نشدند. این موضوع مقدمه‌ای برای مباحث بسیار بر سر حق و تصویب قانون نمایندگان اقلیت دینی گردید. در اصلاح نظامنامه هنگام سخن از اقلیت کلدانی و تعیین نماینده برای آنان هم مشاجرات زیادی در گرفت. نمایندگان درباب این موضوع از دو زاویه موافق و مخالف به بحث نشستند. موافقان قائل به اختصاص نماینده‌ای مستقل برای کلدانی‌ها بودند چون آن‌ها را متفاوت از ارامنه و تنها صرف مسیحی بودن را دلیلی برای یکسان انگاشتن آنان نمی‌دانستند. درعین حال نمایندگان جبهه مخالف چنین توجیه می‌کردند که اعطای حق نمایندگی مستقل به کلدانی‌ها زمینه‌ساز اعتراض سایر شعب در ادیانی همانند زرتشتیان، کلیمیان و فرقه‌های اسلامی می‌شود چنانچه فرقه‌هایی چون شیخیه و صوفیه هم چنین ادعایی را مطرح می‌کنند. دیگر آنکه قائل به تفاوت میان ارامنه و کلدانی‌ها نبوده و هر دو را شاخه‌هایی از دین مسیحیت در نظر می‌گرفتند. نهایتاً در اظهار نظر از میان نمایندگان موافق و مخالف آرای ذیل استخراج گردید (دوره ۲، جلسه ۳۰۸ / ۲۳ شوال ۱۳۲۹) و نتیجه این شد که اقلیت کلدانی ذیل ارامنه آذربایجان قرار گرفت و برای ارامنه جنوب هم نماینده‌ای مستقل تعیین گردید (دوره ۲، جلسه ۳۱۰ / ۲۵ شوال ۱۳۲۹).

تعداد				اقلیت دینی			نماینده	
۱	۱	۱	۱	زرتشتی	کلیمی	کلدانی	ارامنه	حاج شیخ علی
۱	۱	هر دو با هم یک نفر		زرتشتی	کلیمی	کلدانی	ارامنه	محمد بروجردی
-	-	هر دو با هم یک نفر		زرتشتی	کلیمی	کلدانی	ارامنه	لواءالدوله

۱	۱	۱	۱	زرتشتی	کلیمی	کلدانی	ارامنه	حاج سید ابراهیم
۱	۱	۱	۱	زرتشتی	کلیمی	کلدانی	ارامنه	سید حسن مدرس
که مرکز انتخابات ملل متنوعه پایتخت باشد								بہجت
ملل متنوعه از سایر اہالی مملکت در موقع انتخابات جدا نشوند و با سایرین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند.								میرزایانس

بنابراین نظامنامه جدید در قالب پنجاه و سه ماده در مجلس دوم به تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹.ق تصویب شد و نظامنامه انتخابات دودرجه ملعی گردید (دوره ۲، جلسہ ۳۱۱ / ۲۸ شوال ۱۳۲۹). با تصویب نظامنامه جدید موقعیت و جایگاه نمایندگان اقلیت های دینی تا حدود زیادی تثبیت شد. میرزایانس پس از این در مجالس دوره سوم، چهارم و حتی ادوار بعدی از دوره ہفتم تا دہم در کسوت نمایندہ ارامنہ جنوب حضور داشت. او در مجلس چهارم نیز توانست از مجموع ۳۸۹۶ رأی ۳۱۶۵ رأی کسب کند.^۸

در مجلس پنجم اقلیت ارمنی بر سر چگونگی شمارش آرا از سوی انجمن نظارت ارامنه دچار اختلاف شدند و این موضوع در مجلس نمایندگان را درگیر کرد. بدین ترتیب که برای در نظر گرفتن رأی اکثریت و معرفی به وزارت داخله باید تابع اکثریت مطلق بود یا نسبی. پس از مباحثہ بسیار تصمیم برای شمارش آرا و انتخاب نمایندہ منتخب براساس اکثریت نسبی آرا گرفته شد یعنی اگر ہفت نفر در انتخابات شرکت کنند نمایندہ ای برگزیدہ می شود کہ چهار رأی از آراء مأخوذ را کسب کند (دوره ۵، جلسہ ۴۵ / ۱۵ اسد ۱۳۰۳). با مقرر گردیدن این قانون سہراب خان ساگینیان بہ عنوان نمایندہ ارامنہ شمال با آرای ۱۵۹۸ رأی از ۲۶۳۰ رأی و دکتر آقایان برای ارامنہ جنوب با تعداد ۳۰۳۷ رأی در مجلس پنجم انتخاب شدند. ساگینیان سابقاً از سرآمدان حزب دانشناکسوتیون در تبریز بود کہ بعدها بہ گروه بیہر پیوستہ و در سمت دوست و مشاور او قرار گرفتہ بود (مانوکیان، ۱۳۸۸: ۴۴). یکی از اقدامات مهم او در مجلس پنجم این بود کہ هنگام بررسی مادہ نهم قانون انتخابات کہ بر محرومین از حق انتخاب ازجملہ زنان تصریح داشت، پیشنهاد کرد کہ زنان مسیحی

از این ماده مستثنی شوند (دوره ۵، جلسه ۱۹/۱۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳). اگرچه این حق رأی حتی برای زنان اقلیت هم در مجلس تصویب نشد اما پیشنهاد آن از سوی نمایندگان‌شان در آن برهه تاریخی نشانگر تلاش آن‌ها برای کسب حقوق برابر برای همه اعضای خود فارغ از زن و مرد بود. دکتر آقایان هم از مشروطه‌خواهانی بود که همچون ساگینیان به گروه ارمنی مبارزان پیرم پیوست و همراه این گروه در فتح تهران شرکت کرد (مانوکیان، ۱۳۸۸: ۴۲). وی به عنوان نماینده ارمنه جنوب در مجلس پنجم در مباحث مطروحه شرکت داشت و از جمله کسانی بود که رأی به خلع سلطنت احمدشاه قاجار داد (لازاریان، ۱۳۸۲: ۸۴).

اما اقلیت کلدانی هنوز نماینده‌ای مختص خود نداشت. علی‌رغم این محرومیت آنان از پای نشستند و به‌خصوص در مجلس پنجم با نگرارش عریضی مجدداً درصدد اعاده حق نمایندگی خود برآمدند: «چنانکه ملل مختلفه تابعه به دولت علیه ایران در حقوق ملی مساوی و به هر ملتی از قبیل اکراد-ارمنه-یهود-گبر و غیرایرانی‌ها حق داشتن وکلای منتخبه از جانب خودشان را در مجلس شورای ملی عطا شده است جماعت کلدانی نیز بر طبق نص صریح قانون اساسی از این حق عمومی بهره‌مند و سندلی وکیل این جماعت تا حال هم (به نام سندلی وکیل کلدانیان) در مجلس مقدس خالی بوده است ولی جای هزاران یأس و تأسف می‌باشد معلوم نیست محل وکیل کلدانیان به چه دلیل و با کدام مجوز قانونی در دوره چهارم دارالشورای کبرای [بدرج؟] افتاده و مکان آن با وکیل ارمنه توحید گردیده در صورتی که ملت کلدانی از جهت نژاد و زبان و عادت و منافع ملیه من حیث‌المجموع با ارمنه مغایر و غیر از اسم مذهبی (مسیحی) در تمامی تقدیرات حیاتی و منافع ملی هیچ‌گونه موافقت و موافقتی ندارند بدیهی است اطلاق لفظ مسیحی و مجرد توادح اسم مذهب هرگز با قواعد منطبق تساوی عدل و صیانت حقوق کافه ناس مجوز نمی‌شود که مصالح حیاتی و نژاد مغایر و جنس متباین توحید و توأم گردد ... از شرط تعمیم عدل بسی دور و توحید مکان آن با وکیل ارمنه و اختلاط مصالح حیاتی و نژاد غیرمتجانس دولت متباین همانان از حیز عاطفه رعیت‌داری بکلی خارج و موجب یأس و ناامیدی جماعت فلک‌زده کلدانی خواهد بود و احراز نموده برای دوره آینده در ردیف انتخابات وکلای جامعه ملت منتخب نمائیم که از عواطف

رعیت‌پرورانه و تساوی عدل آن مجمع مقدس امیدوار و مشغول آبادی و دعاگوئی باشیم» (کمام، ۱۳۰۴، ک ۱۱، پ ۵). علیرغم همه تلاش‌ها اقلیت کلدانی هیچ‌گاه نتوانست تا پایان دوران حکومت رضاشاه نماینده‌ای مستقل از خود داشته باشد. لذا نام آنان همواره در کنار ارامنه آذربایجان قرار می‌گرفت (دوره ۱۲، جلسه ۹ / ۲ آبان ۱۳۱۸).

اقلیت زرتشتی و تثبیت موقعیت

زرتشتیان که اقبال بهتری در داشتن نماینده در مجلس نسبت به سایر اقلیت‌ها داشتند، ارباب جمشید را روانه مجلس اول کردند. وی در این مجلس در سمت مباشر (کارپرداز) جزء هیئت رئیسه مجلس قرار گرفت (مروارید، ۱۳۷۷: ۱/۲۸-۷۷). در دوره بعد اقلیت زرتشتی با اکثریت قاطع ارباب کیخسرو را به نمایندگی برگزیدند، در اعتبار نامه وی آمده: «...بنا بر رأی هفتاد و سه نفر از هشتاد و دو نفر رأی‌دهندگان زرتشتیان کرمان در درجه اول منتخب شده و در تاریخ سه‌شنبه هفتم شعبان ۱۳۲۷ق که سه نفر منتخبین زرتشتیان طهران، یزد و کرمان در مدرسه دارالفنون حاضر شده و آرای خود را دادند به اکثریت تامه در درجه ثانی منتخب و به سمت نمایندگی ملت زرتشتیان ایران معین و مفتخر گردیدند (اعتبارنامه ارباب کیخسرو شاهرخ). او در مقایسه با ارباب جمشید بسیار فعال‌تر در مجلس ظاهر شد. خود کیخسرو اعتقاد داشت که ارباب جمشید با آن که مرد بزرگ و صاحب اعتباری بود اما وقت زیادی صرف مجلس نمی‌کرد و در باب تصویب قوانین اذعان می‌کرد که از پیچیدگی‌های زبانی و قانونگذاری اطلاع زیادی ندارد (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۳). کیخسرو اما نه تنها منشأ خدمات بسیار به اقلیت زرتشتی گردید بلکه در ارکان مجلس نیز تأثیرات محسوسی بر جای گذاشت. کیخسرو شاهرخ موفق شد در ادوار سوم، چهارم و پنجم مجلس هم به نمایندگی از سوی زرتشتیان صاحب کرسی شود و این کرسی حتی در مجالس عصر رضاشاه نیز در اختیار او قرار داشت.

آرای ارباب کیخسرو در انتخابات ادوار سوم، چهارم و پنجم^۹

تعداد آرای ارباب کیخسرو شاهرخ	تعداد کل آرای اخذ شده	مجلس
۱۹۲۸	۱۹۸۲	مجلس سوم
۱۹۰۵	۲۰۵۷	مجلس چهارم
۲۵۳۸	۲۵۸۲	مجلس پنجم

او در مجلس در سمت کاربرد از (مباشر) هیئت رئیسه و کمیسیون معارف قرار داشت. به عضویت کمیسیون مبتکرات مجلس هم درآمد و در آن طرح حذف لغات خارجه و استعمال لغات فارسی را مطرح کرد (کمام، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸، ک ۲، پ ۵). از دیگر طرح‌های او در کمیسیون مزبور غیبت و یا حضور اعضا در شعبات و کمیسیون‌ها هنگام رأی‌گیری بود (کمام، ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸، ک ۱، پ ۹). ارباب کیخسرو معتقد بود که تلاش‌های وی سبب تغییر اصل پیش‌نویس متمم قانون اساسی شده: «در متمم .. آمده بود «همه مسلمانان در برابر قانون مساویند» ... وقتی این مطلب را در روزنامه خواندم با این‌که در استخدام جمشیدیان بودم، به شدیدترین وجهی به او اعتراض کردم... من لایحه‌ای نوشتم و در مقابل عمارت مجلس پخش کردم و چند سخنرانی هم در این مورد ایراد نمودم. مجموعه این اقدامات باعث اصلاح اصل ماده شد. در اصل جدید آمده بود: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود» (کیخسرو شاهرخ، ۱۳۸۲: ۷۳).

خدمات وی در مدت تصدی در مجلس به قدری قابل توجه بود که در مجلس دوم هنگام تصمیم ارباب برای استعفا از ریاست اداره مباشرت به دلیل نوشته یک روزنامه مبنی بر مصرف نادرست پول در زمان تصدی وی جملگی نمایندگان با این تصمیم مخالفت کردند. چون اذعان داشتند که ارباب کیخسرو منشأ خدمات زیادی در مجلس بوده و اداره مباشرت تنها اداره کاملاً منظم در سرتاسر ایران می‌باشد (دوره ۲، جلسه ۱۶۰ / ۱۸ شوال ۱۳۲۸). وی در مجلس دوم از حق زرتشتیان برای

شرکت در انجمن ولایتی هم دفاع کرد و توانست حق عضویت نماینده برای آنان را در این انجمن بگیرد (دوره ۲، جلسه ۵۱/غره صفر ۱۳۲۸). علی رغم حضور او در مجلس به عنوان نماینده زرتشتیان مکرر اعلام می کرد که تنها نماینده این اقلیت نیست و حضور او در مجلس برای خدمت به عموم ملت است (همان). ارباب کیخسرو همچنین مؤسس کتابخانه و چاپخانه مجلس بود و ریاست کارپردازی مجلس را حتی در دوران فترت برعهده داشت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۶۷؛ اشیدری، ۲۵۳۵: ۳۸۷).

اقلیت یهودی؛ مشکلات و ناکامی ها

حضور غیرمستقیم و باواسطه یهودیان در مجلس اول نهایتاً به حضور مستقیم نماینده آن ها لقمان نهورای در سه مجلس دوم، سوم و چهارم انجامید. او در مجلس دوم پس از رقابت تنگاتنگ با فردی به نام میرزا عزیزالله توانست کرسی کلیمیان را از آن خود کند (دوره ۲، جلسه ۲۹ / ۲۴۱ ربيع الثاني ۱۳۲۹).

آرای دکتر لقمان نهورای در انتخابات ادوار دوم، سوم و چهارم

مجلس	تعداد کل آرای اخذ شده	تعداد آرای لقمان نهورای
مجلس دوم	-	۲۸۳
مجلس سوم	۱۴۲۰	۸۳۵
مجلس چهارم	-	۱۶۷۲

بنا به گفته تقی زاده، نهورای حامی حزب دموکرات بود و مدرک پزشکی خود را از مدرسه دارالفنون دریافت کرده بود (سرشار، ۱۳۸۴: ۱۷۱). اقلیت کلیمی همیشه در مجلس جایگاه منفعل تری نسبت به سایر نمایندگان اقلیت داشت. چرا که نماینده آنان نهورای همزمان به طبابت در مطب می پرداخت و بنا بر قاعده یکی بودن ریاست انجمن ملی یهود تهران و نماینده مجلس می بایست به امور دیگری هم رسیدگی می کرد (دانیالی، ۱۳۹۴: ۷۶). لذا فرصت چندانی برای

فعالیت در مجلس و حمایت از اقلیت کلیمی نداشت. از این رو برخی از کلیمیان درصدد انتخاب نماینده دیگری برآمدند. کاندیدای اصلی در دوره پنجم مجلس مسیو هایم (شموئیل حییم) بود که پیشتر به اموری چون روزنامه‌نگاری و ویراستاری برای روزنامه حییم (سرشار، ۱۳۸۴: ۴۰۹) و کار در اداره گمرک مشغول بود. دکتر لقمان که معتقد بود به دلیل داشتن تجربه، به غیر از خودش، کسی شایستگی تکیه بر کرسی کلیمیان را ندارد، حاضر به کناره‌گیری از سمت خود در مجلس نبود (نتصر، ۱۹۹۹: ج ۳/۵۳) این امر به تفرقه میان اقلیت یهود و رویارویی طرفداران لقمان و هایم انجامید. در این مبارزه انتخاباتی خود این دو فرد نیز مدام برای تخریب دیگری دست به قلم برده و نامه یا تلگرافی به مقامات و ارگان‌های مختلف می‌فرستادند. هایم در تلگرافی به وزارت داخله نوشت «به موجب تلگرافی که از یزد رسیده... هلال نام کلیمی که عامل دکتر لقمان است، اشخاص را تحریم و تکفیر می‌نماید... انتخاباتی که در تحت تأثیر همچو وضعیتی جریان داشته باشد نمی‌توان آن را قانونی دانست...». دکتر لقمان نیز در نامه‌ای از اشخاص دسیسه‌کار می‌گوید که مردم را تهدید می‌کنند و نمی‌گذارند مردم آزادانه رأی خود را بدهند (سلامی، ۱۳۸۴: ۴۲۶ و ۴۰۲).

علاوه بر این، دو دستگی جماعت یهود در حمایت از این دو نفر نیز منجر به ارسال عریضی به مجلس می‌شد. طرفداران لقمان، شخص هایم را «معلوم‌الحال» و «مجهول‌الیهویه» و عاملی بر نفاق و شقاق ملت کلیمی دانسته که در «انتخابات از هیچ‌گونه اقدامات غیرمشروع و تهدید و تطمیع و فتنه و دسیسه فروگذار نکرده...» و از مجلس درخواست برگزاری انتخاباتی آرام برای انتخاب وکیلی صالح را داشتند. در آن سو هواداران هایم نیز نوشتند که «... دکتر لقمان برای جلب منافع خود به دستکاری چند سارق معروف و مساعدت کمیساریا وضعیت غیر قابل تحملی در محل ایجاد کرده که لطمه بزرگی به انتخابات وارد خواهد نمود...» (همان: ۴۳۶-۴۳۷ و ۳۹۹). درنهایت این مسیو هایم بود که توانست در این رقابت پیروز شود اما اعلام نام او با کسب ۳۹۰۹ رأی از مجموع ۵۷۸۰ رأی بحث‌های زیادی را به دنبال داشت. این جدال‌ها به مجلس هم کشید و برخی نمایندگان به تحریک مخالفان هایم که همان طرفداران لقمان بودند به مخالفت با او برخاستند و با دلایلی چون سیاسی بودن شخصیت او سعی در عدم تصویب اعتبارنامه حییم داشتند (هما سرشار، ۱۹۹۹:

۳ / ۵۱-۵۲). پس از نطق نمایندگان مخالف در نهایت یک نماینده به نام سید کاظم‌خان اتحاد (سرکشیک‌زاده) با سخنانش در راستای دفاع از مسیو هایم توانست مجلس را قانع به تأیید اعتبارنامه او کند: «بنده از نقطه نظر خودم عرض می‌کنم که به نام دفاع از یک نفر مظلوم پشت این تریبون آمده‌ام. ... به نظر بنده خوب نیست با ملل متنوعه با یک بدبختی که در اقلیت است این طور معامله شود. ... اولاً روزنامه مال ایشان نبوده است و نویسندگان مقاله هم یک نفر مسلمان و سید بوده و در محاکم صلاحیت‌دار هم تیرئه شده است و در این قسمت هم داخل نمی‌شوم زیرا به نظر بنده مجلس محکمه نیست و مجلس باید از نقطه نظر انتخابات رسیدگی کند و اگر ایشان مقصر هستند آن هم بایستی در محکمه صلاحیت‌داری محاکمه شود ولی متأسفانه تاکنون از طرف هیچ محکمه نه احضار شده‌اند و نه محاکمه شده‌اند و نه محکوم شده‌اند» (دوره ۵، جلسه ۷۲ / ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۳).

بالاخره بعد از پایان رأی‌گیری در مجلس مسیو هایم به نمایندگی در دوره پنجم مجلس پذیرفته شد. اگرچه موسیو هایم تنها یک دوره نمایندگی کلیمیان را برعهده داشت و پس از آن مجدداً نه‌ورای تا چندین دوره این سمت را برعهده گرفت اما در طول مدت نمایندگی‌اش تلاش زیادی برای تثبیت حقوق برابر اقلیت‌های دینی انجام داد. او برای حقوق کلیمیان، ماده‌واحدی با عنوان آزادی کسب و تجارت به استثنای مکاسب غیرمشروع و ممانعت از ایجاد مزاحمت در شغل و وضعیت کسب افراد پیشنهاد داد (دوره ۵، جلسه ۱۵۸ / ۸ شوال ۱۳۴۳). طرح پیشنهاد مزبور از سوی نماینده کلیمیان می‌توانست تا حدی در بهبود وضعیت آنان تأثیرگذار باشد چرا که در گذشته برخی پادشاهان با وضع قانون ممنوعیت تجارت و تولید کالا در ایران سبب انفعال آنان شده بودند.^{۱۰} او همچنین هنگام بررسی نظامنامه انتخابات همانند نماینده آرامنه درخواست کرد که زنان کلیمی از محرومیت در حق رأی مستثنی شده تا بتوانند در انتخابات رأی دهند (دوره ۵، جلسه ۱۱۱ / ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳). نمونه دیگری از تلاش‌های او در مجلس در طرح عریضه کلیمیان همدان به خوبی مشهود است. در این عریضه ضمن اشاره به اخذ مالیات‌ها و تبعیض در بین اتباع کشور برخلاف نص صریح قانون اساسی و اخلاق ایران و ایرانیان آمده است که «وزارت جلیله مالیه نه

فقط راجع به این قسمت بلکه در هر امری نسبت به کلیمیان به خصوص بی‌اعتدالی نموده از تبعیض و تزییع حقوق این بیچاره‌ها به هیچ وجه کوتاهی نمی‌نمایند. با غلبه‌ای که اکثریت بر اقلیت دارد نسبت به آن‌ها تبعیضات و بی‌عدالتی‌هایی که به قیمت جان آن‌ها تمام می‌شود معمول ندارند. کلیمیان به کلی از اوضاع فعلی خود مأیوس شده و یأس افراد منجر به خرابی جامعه می‌گردد. لذا امیدوار است با حس وطن‌پرستی و بشردوستی معروف و سرشاری که در وجود مبارک موجود است امر و مقرر فرمایند اقدام عاجلی در فراهم نمودن آسایش کلیمیان و سایر اتباع غیرمسلم ایرانی به عمل آید تا اینکه محتاج به عرض و تقدیم ثانی نگردد» (کمام، ۲۶ خرداد ۱۳۰۴، ک ۱۳۹، پ ۴۹). این عریضه نشان می‌دهد که پس از گذشت سال‌ها از استقرار مشروطه اقلیت‌های دینی همچنان در دستیابی به حقوق برابر با چالش مواجه بودند و نمایندهٔ یهودیان مسیو هایم از همان آغاز ورود به مجلس در صدد احقاق حقوق آنان برآمده است.

نتایج پژوهش

اقلیت‌های دینی که به امید کسب برابری، آزادی و برخورداری از حقوق اجتماعی در مشروطه شرکت کرده بودند پس از پیروزی مشروطیت و تدوین قانون اساسی برخلاف امید اولیهٔ آن‌ها بهرهٔ چندانی از حقوق برابر در مقابل قانون نبردند و از اقلیت‌های دینی تنها زرتشتیان از طریق مجاری غیررسمی توانستند به مجلس راه یابند. از مجلس دوم به بعد اقلیت‌های دینی چالش‌های فراوانی بر سر «تساوی حقوقی در برابر قانون» با مسلمانان از یک سو و با همکیشان خود از سوی دیگر از سر گذراندند و نهایتاً بعد از فرازونشیب بسیار از حق نمایندگی برخوردار شدند. با این حال، انتخابات آنان مستقل بود و با برچسب نمایندهٔ اقلیت و در قالب یک انتخابات جدا انتخاب می‌شدند. با ورود به مجلس البته زمینه برای مطالبات بیشتر آنان فراهم آمد؛ مطالباتی که منجر به فعالیت‌های متفاوت این گروه‌های دینی در زمینه‌هایی چون حق طلبی برای کسب نمایندهٔ بیشتر از سوی ارمانه، تثبیت جایگاه نمایندگی از سوی زرتشتیان و نیز انفعال و ناکامی اقلیت کلیمی در زمان نهرواری و تلاش برای احقاق حقوق از کفررفته از سوی موسیو هایم همراه بود. در این میان ارمانه را باید

پیشگام سایر اقلیت‌ها دانست زیرا در زمره اقلیت بودن برای آن‌ها خوشایند نبود. آنان نه تنها خواستار افزایش نمایندگان خود شدند بلکه فراتر از حق داشتن نماینده در قالب اقلیت، حقوق انتخاباتی برابر با سایر مسلمانان را تقاضا کردند. میرزایانس نماینده ارامنه در مجلس دوم استدلال می‌کرد که بهتر است انتخابات سراسری برگزار شود چون انتخاب کردن از انتخاب شدن مهم‌تر است و بدین ترتیب اقلیت‌ها هم همانند سایر مردم هستند و چون موافقت نشد ناگزیر برای اقلیت کلدانی که شاخه‌ای از مسیحیت بود تقاضای نماینده‌ای مستقل مطرح کرد؛ خواسته‌ای که تا دوره رضاشاه مسکوت ماند. در مجموع اقلیت‌های دینی از مجلس اول تا پنجم مسیری پرفرازونشیب از انکار تا به رسمیت شناخته شدن طی کردند. دستیابی به حقوق برای اقلیت‌ها یکسان نبود، ارامنه گرچه تا حد مطالبه حقوق برابر انتخاباتی با مسلمانان پیش رفتند، اما در مجلس اقبال عمومی نیافتند. اصل برابری در مقابل قانون در عمل با چالش‌های عدیده‌ای مواجه شد و نهایتاً اقلیت‌ها توانستند نه در زمره ملت ایران بلکه به‌عنوان ملل متنوعه ایران به رسمیت شناخته شوند؛ چیزی که برخی از محققان امروزه از آن به مثابه تبعیض مثبت یاد می‌کنند.

پیوست‌ها

^۱. برای نمونه‌هایی از تبعیض‌های حقوقی نسبت به اقلیت‌های دینی در دوران پیشامشروطه ن.ک: (ویلس، ۱۳۶۳: ۳۱۵)؛ (عیسوی، ۱۳۶۲: ۹۷-۹۸)؛ (سرشار، ۱۳۸۴: ۹۷-۱۰۳). همچنین برای مشاهده اشتیاق اقلیت‌های دینی جهت پیوستن به مشروطه ن.ک: (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۱، ۲، ۳/۹۰).
^۲. این هزینه‌ها حدود ۳۴ هزار تومان برآورد شده که ارباب جمشید هشت هزار تومان آن را پرداخت کرد.

^۳. «چون درین دوره جدید رعیت پروری و عدالت‌گستری اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه عادل به اذن مظفرالدین‌الدین شاه خلدالله به تصویب و تصدیق علمای اعلام و بزرگان [؟] جناب ارباب جمشید نماینده و وکیل پارسیان ایران گردید امیدواریم خیرخواهی و وطن‌پرستی این مرد خیر آگاه سبب ارتباط تازه پارسیان هندوستان با اهالی ایران شود و حالا که اسباب امنیت و اطمینان فراهم می‌آید همت و غیرت آن نیکمردان کمک کارهای بزرگ شود و از اعمال مهمه آنچه را ما خود

نمی‌توانیم دست تنها انجام دهیم به یاری و همراهی آن همشهریان قدیم صورت داده آبادی‌ها کنیم و آرایش‌ها پیرایش‌ها نمایش‌ها و و امن جلال گذشته را دوباره به دست آریم و لایق قابل را مهمل و معطل نگذاریم خوبی‌ها و برتری‌های جناب ارباب جمشید دام مجده را خصوصاً و کلیه پارسیان را عموماً همه‌کس می‌داند لهذا به شرح و تفصیل آن نپرداختیم و لایحه را مختصر ساختیم»؛ ن.ک: (تربیت، س. ۹، ش. ۴۱۷، ۲۹ شعبان ۱۳۲۴ ه.ق، ۲۲۵۳).

۴. نگارنده خود در باب این نکته به کتابخانه زرتشتیان نیز مراجعه نموده و در منابع و کتاب‌های آنجا هم چیزی یافت نکرد لذا به‌عنوان یک پژوهشگر بی‌طرف که تنها وظیفه شفاف‌سازی در تاریخ را برعهده دارد ضروری دانست که روایت ناظم‌الاسلام از این مهم در اینجا ذکر شود «... باری ارباب جمشید رفت و تا یک اندازه هم سعی خویش را نمود لکن یک روز جناب آقای بهبهانی در مجلس علناً حمایت فرمود از طایفه زرتشتی و فرمود این طایفه را بر مملکت ایران حق آب و خاک است بزرگان این طایفه در خارجه تحصیل نموده و تربیت شده می‌باشند در پارلمان انگلیس و کیل دارند و تاکنون به معقولیت و تجارت رفتار نمودند البته ارباب جمشید و کیل طایفه زرتشتی باید در مجلس شورای ملی وارد شود و از حمایت آقای بهبهانی از ارباب جمشید هم دیگران ساکت شدند و هم ارباب جمشید بر وکالت خود مصر گردید (گویند تعارفی به آقا داد و کار تمام شد)»؛ ن.ک: (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۷: ۴۹۸).

۵. مهدی بامداد در این باره از قول خود شخص ارباب جمشید چنین نقل می‌کند «روزی در ضمن صحبت ارباب جمشید به نگارنده می‌گفت که در آغاز تأسیس مشروطیت و تدوین قانون اساسی بعضی از نمایندگان چندان تمایلی نداشتند که به زرتشتیان نماینده‌ای در مجلس شورای ملی داده شود من پول زیادی به سیدعبدالله بهبهانی که متنفذترین فرد در مجلس بود دادم تا اینکه بالاخره او راضی شد و اعمال نفوذ کرد که به زرتشتیان نماینده داده شود و نماینده هم داده شد».؛ یحیی دولت‌آبادی از «اسباب‌چینی و تقلب» در انتخابات مجلس اول صحبت می‌کند.

۶. کمیسیون مرکب از افراد ذیل بود: اسدالله میرزا، تقی‌زاده، حسنعلی خان، میرزا محمد علی خان، متین‌السلطان، اسدالله خان؛ ن.ک: (دوره ۲، جلسه ۱۱/۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۷).

۷. یک نمونه از درخواست‌های آرامنه به این صورت بیان شده است «به طوری که در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی متصور است ترتیب انتخابات طبقاتی نخواهد بود و باید انتخاب عمومی بشود در این صورت باید مسلمان‌ها و آرامنه متفقاً و کیل معین نمایند ولی برای اینکه گفتگویی در

این جزء اسباب [انجام؟] نشده و موجبات تأخیر کار را فزون ننماید و به اقتضای بعضی مصالح انجمن ایالتی می‌تواند به یک ترتیبی که نقض در قانون نشده باشد استثناء یک نفر نماینده از ارامنه قبول نماید ولی باید دانست که این اجازه موقتی است و بعدها باید تقاعد انتخاب عمومی به اکثریت تعداد نفوس متفقاً با مسلمان‌ها یک نفر وکیل انتخاب نمایند. اگر اتفاقاً کسی از ارامنه انتخاب شد بپذیرند». ن.ک: (کمام، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، ۳۰ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، ک ۱، پ ۸، ۱۲).^۸ متأسفانه نگارنده پس از جستجوی بسیار موفق به یافتن اعتبارنامه میرزایانس در مجالس دوم و سوم نشد و تنها اعتبارنامه او در مجلس چهارم در دسترس قرار داشت.^۹ آرای مندرج نمایندگان در انتخابات مجلس شورای ملی از اعتبارنامه‌های آنان استخراج شده که در مجلس شورای اسلامی قابل مشاهده است.^{۱۰} در زمان حکومت صفوی چنین وضع شد «هیچ‌یک از یهودیان حق تجارت و تولید کالا، به‌ویژه مواد خوراکی، در داخل ایران را ندارند»؛ ن.ک: (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۲).

منابع و مطالعات

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- فریدون (۱۹۸۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، سوئد: کانون کتاب ایران.
- فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: انتشارات سخن.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶ (۱۲۸۵-۱۲۹۰)، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام‌السلطنه، به‌کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اشیدری، جهانگیر (۲۵۳۵)، تاریخ پهلوی و زرتشتیان، تهران: انتشارات ماهنامه هوخ.
- امینی، توج (به کوشش) (۱۳۸۰)، اسنادی از زرتشتیان معاصر (۱۲۵۸-۱۳۳۸ ش)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

بامداد، مهدی (بی‌تا)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۱، بی‌جا: کتاب‌فروشی زوار.

بربریان، حوری (۱۳۹۷)، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران ۱۲۸۵-۱۲۹۱: عشق به آزادی سرزمین نمی‌شناسد، ترجمه سامیه جرفی و حسین علی‌پناه، تهران: شیرازه.

بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانونگذاری ملی و ریاست‌جمهوری)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بشیری، احمد (به کوشش) (۱۳۶۳)، کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ج ۸ (از تاریخ ۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۱۳)، تهران: نشر نو.

تهرانی کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار. حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد،

خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)، تهران: مهرنامگ.

دانیالی، لثا (۱۳۹۴)، نقش مجلس شورای ملی در بهبود شرایط اقلیت‌های دینی در ایران (بررسی تلاش‌های لقمان نهواری، نماینده کلیمیان در مجالس دوره رضاشاه)، فصلنامه اسناد بهارستان، ش ۶ ص ۸۱-۷۱.

دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، حیات یحیی، ج ۲، تهران: انتشارات عطار و فردوسی.

رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، تهران: امیرکبیر.

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴)، رسایل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، تهران: کویر.

سرشار، هما (۱۹۹۶)، تروعا (یهویان ایرانی در تاریخ معاصر)، ج ۱، کالیفرنیا: انتشارات مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی.

سرشار، هما (۱۹۹۹)، تروعا (یهویان ایرانی در تاریخ معاصر)، ج ۳، کالیفرنیا: انتشارات مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی.

سرشار، هومن (۱۳۸۴)، فرزندان استر (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)، ترجمه مهرناز نصریه، تهران: نشر کارنگ.

سلامی، غلامرضا (۱۳۸۴)، اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- سلطانی، ناصر (۱۳۹۱)، مفهوم برابری در مقابل قانون در متمم قانون اساسی مشروطیت، نشریه مطالعات حقوقی، ۴د، ش ۲، ص ۵۹-۹۰.
- شاهرخ، کیخسرو (۱۳۸۲)، خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر؛ ترجمه غلامحسین میرزاصالح، تهران: مازیار.
- شاهرخ، کیخسرو (۲۵۳۵)، یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ نماینده پیشین مجلس شورای ملی، به کوشش جهانگیر اشیدری، تهران: پرچم.
- شهمردان، رشید (۱۳۶۳)، تاریخ زرتشتیان (فرزانگان زرتشتی)، تهران: سازمان انتشارات فروهر.
- صفائی، فضلعلی بن عبدالکریم (۱۳۷۲)، بحران دموکراسی در مجلس اول (خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی)، به تحقیق غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کسروی، احمد (۱۳۴۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- لازاریان، ژانت.د (۱۳۸۲)، دانشنامه ایرانیان ارمنی، تهران: هیرمند.
- لاهیجی، عبدالکریم (۱۳۷۹-۱۳۸۰)، مروری بر وضع حقوقی ایرانیان غیرمسلمان، نشریه ایران‌نامه، س ۱۸، ش ۷۳ و ۷۴، ص ۷-۴۰.
- لوی، حبیب (۱۳۳۹)، تاریخ یهود ایران (اوضاع و احوال یهودیان ایران پس از مشروطیت ایران تا عصر فرخنده اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی)، ج ۳، بی‌جا: کتاب‌فروشی بروخیم.
- مانوکیان، آرپی (تابستان ۱۳۸۸)، «ارمنیان و مجلس؛ از مشروطیت تا سقوط قاجاریه»، فصلنامه فرهنگی پیمان، ش ۴۸، ص ۴۸-۵.
- مروارید، یونس (۱۳۷۷)، از مشروطه تا جمهوری (نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت)، ج ۱، تهران: نشر اوحدی.
- مصطفوی، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، ایرانیان یهودی، بی‌جا: بامداد.
- _____ (۱۳۱۸)، مجموعه مصوبات دوره اول قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، تهران: اداره قوانین و مطبوعات.
- ملک‌زاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج اول و دوم و سوم، تهران: سخن، ۱۳۸۳.

مهر، فرهنگ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸)، «سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران»، مجله هوجت، س ۲۰، ش ۳، ضمیمه، ص ۳۵-۱.

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن‌علی (۱۳۸۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.

نائینی، محمدحسین (۱۳۸۸)، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

نتصر، آمنون (۱۹۹۹)، پژوهشنامه یهود ایران (پادیاوند)، ج ۳، لس‌آنجلس: انتشارات مزدا.

نظری، منوچهر (۱۳۹۸)، اقلیت‌های دینی در پارلمان ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۹ ش)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد شورای اسلامی.

منوچهر (۱۳۹۰)، رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، تهران: فرهنگ معاصر.

ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه سیدعبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: انتشارات زرین.

هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی‌خان (۱۳۴۴)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.

یشایایی، هارون (۱۳۹۸)، گزارش یک دوران (سی سال زندگی یهودیان ایرانی)، تهران: ماهریس.

اسناد

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد کمیسیون، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸، ک ۲، پ ۵، شماره بازیابی ۱۰۸۱-۲-۲-۲-۵.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد کمیسیون، ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸، ک ۱، پ ۹، شماره بازیابی ۱۰۸۱-۲-۱-۱-۹.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، ۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ک ۱، پ ۱۲، شماره بازیابی ۱۰۲۱-۲-۱-۳-۱-۷.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، ۲۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۸، ک ۱، پ ۱۲، شماره بازیابی ۱۰۲۱-۲-۱-۳-۱-۱۲-۱۵.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، ۳۰ ذی‌القعدة ۱۳۲۷، ک ۱، پ ۱۲، شماره بازیابی ۱۰۲۱-۲-۱-۳-۱-۱۲-۸.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد کمیسیون، ربیع‌الاول ۱۳۲۹، ک ۱۷، پ ۳، شماره بازیابی ۱۰۸۱-۲-۱۷-۱۴-۳.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی، ۱۳۰۴، ک ۱۱، پ ۵، شماره بازیابی ۱۰۲۱-۵-۱۱-۲-۱-۵.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد کمیسیون مجلس شورای ملی، ۸ جمادی الاول ۱۳۴۳، ک ۷۴، پ ۱، شماره بازیابی ۱۰۸۱-۵-۷۴-۲۰-۱.

مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کمام)، اسناد عرایض مجلس شورای ملی، ۲۶ خرداد ۱۳۰۴، ک ۱۳۹، پ ۴۹، شماره بازیابی ۱۳۹-۵-۱۳۹-۲۹-۱-۴۹.

روزنامه ها

تربیت، س ۹، ش ۴۱۷، ۲۹ شعبان ۱۳۲۴ ه.ق، ص ۲۲۵۳.

صوراسرافیل، س ۱، ش ۱۷، ۱۴ شوال ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴.

صوراسرافیل، س ۱، ش ۲۳، ۱۷ محرم ۱۳۲۶ ه.ق، ص ۸.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی

دوره ۱، جلسه ۱۰۴، ۴ جمادی الاول ۱۳۲۵ ق.

دوره ۵، جلسه ۲، ۷ شعبان ۱۳۴۲.

دوره ۵، جلسه ۴۵، ۱۵ اسد ۱۳۰۳.

دوره ۲، جلسه ۲۵، ۱۱ ذی الحجه ۱۳۲۷.

دوره ۲، جلسه ۲۴، ۹ ذی الحجه ۱۳۲۷.

دوره ۲، جلسه ۴۲، ۶ محرم ۱۳۲۸.

دوره ۲، جلسه ۲۸۸، ۲ رمضان ۱۳۲۹.

دوره ۲، جلسه ۳۱۰، ۲۵ شوال ۱۳۲۹.

دوره ۲، جلسه ۳۰۸، ۲۳ شوال ۱۳۲۹.

دوره ۲، جلسه ۷۲، ۲۴ ربیع الاول ۱۳۴۳.

دوره ۵، جلسه ۱۱۱، ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۴۳.

دوره ۲، جلسه ۱۶۰، ۱۸ شوال ۱۳۲۸.

دوره ۲، جلسه ۵۱، غره صفر ۱۳۲۸.

دوره ۲، جلسه ۲۴۱، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹.

دوره ۲، جلسه ۱۸۳، ۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۸.

دوره ۲، جلسه ۳۱۱، ۲۸ شوال ۱۳۳۹.

دوره ۱۲، جلسه ۹/۲ آبان ۱۳۱۸.

Sanasarian, Eliz (2004), *Religious Minorities in Iran*, UK, Cambridge University Press.

Sternfeld, Lior B (2019), *Between Iran and Zion: Jewish Histories of Twentieth-Century Iran*, California, Stanford University Press.

Tsadik, Daniel (2003), *The Legal Status of Religious Minorities: Immigrants and Iran's Constitutional Revolution*, *Islamic Law and Society* 10, 3, pp 376-408.

Yeroushalmi, David (2009), *The Jews of Iran in the Nineteenth Century: Aspects of History, Community, and Culture*, Leiden and Boston, Brill.